

نامه های



منصور هاشمی خراسانی

شماره: ۸

موضوع: فرازی از نامه‌ی آن جناب که در آن مردم را از گمراهی بیم می‌دهد و به شناخت حق و پذیرش آن فرا می‌خواند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هلا ای مردم! بیمناک باشید؛ چراکه شما بدون هدایتی از جانب خدا دین‌داری کرده‌اید و به راه‌هایی ناشناخته گام نهاده‌اید و در گیر و دار دگرگونی‌های زمان رنگ باخته‌اید و در کشاکش فتنه‌های جهان در هم شکسته‌اید و اکنون پیرو کسانی شده‌اید که خداوند پیروی آنان را از شما نخواست است؛ پس اولیائتان شما را از نور به تاریکی بیرون آورده‌اند و برایتان در دین چیزی را تشریح کرده‌اند که خداوند به آن اذن نداده؛ چنان‌که فرموده است: ﴿أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾؛ «یا برای آنان پیشوایانی است که برایشان چیزی از دین را تشریح کرده‌اند که خداوند به آن اذن نداده است و اگر نبود بنای بر جدایی، میان آنان حکم می‌شد و هرآینه ستم‌کاران را عذابی دردناک خواهد بود».

به راستی که بیم دهنده بیم داد و حق شناخته شد و باطل رسوا گردید، ولی بیشتر مردم شناسا و پذیرای حق نیستند. البته اگر شناخت و پذیرش آن با اهواء آنان سازگار بود و دنیای کسی را به خطر نمی‌انداخت، همگان آن را می‌شناختند و می‌پذیرفتند و دو کس درباره‌ی آن اختلاف نمی‌کردند، اما حق بر خلاف پسندهای دیرینه‌ی مردم در می‌آید و باورهای بی‌بنیاد آنان را که چون تار عنکبوت سست است، فرو می‌ریزد و داشته‌های دنیوی آنان را در معرض خطر قرار می‌دهد و این جاست که شناسای حق کم می‌شود و پذیرای آن کاستی می‌پذیرد.

هنگامی که حق ظهور می‌کند ثروت‌مندان برای ثروت خود نگران می‌شوند و قدرت‌مندان برای قدرت خود هراسان می‌گردند و شهیران برای شهرت خود حرص می‌زنند و وابستگان



از ارباب خود کسب تکلیف می‌کنند و مقلدان از مراجع تقلید خود استفتاء می‌نمایند! از این رو، همیشه فقیران و مستضعفان و گمنامان و آزاد اندیشان و محققان هستند که حق را اجابت و از آن پیروی می‌کنند؛ زیرا نه آنان را ثروتی است که نگرانشان کند و نه آنان را قدرتی است که هراسانشان کند و نه آنان را شهرتی است که حریص‌شان کند و نه آنان را اربابی است که بازخواستشان کند و نه آنان را مرجعی است که عقیده‌ی خود را با نام فتوا به آنان تحمیل کند! هنگامی که اسلام ظهور کرد، فقیران مکه آن را اجابت کردند و ثروت‌مندان مکه آن را انکار نمودند؛ مستضعفان مکه آن را یاری کردند و قدرت‌مندان مکه در برابر آن ایستادند؛ گمنامان مکه به آن روی آوردند و مشاهیر مکه از آن روی گرفتند؛ آزاد اندیشان مکه از آن پیروی کردند و وابستگان مکه از بزرگان قوم خود پیروی نمودند؛ محققان مکه درباره‌ی آن تحقیق کردند و مقلدان مکه از آباء و رؤسای خود تقلید نمودند.

همانا اسلام، غریب آغاز شد و اکنون به غربت آغازین خود باز گشته است؛ جز آن که غربت واپسین از غربت آغازین بزرگ‌تر است؛ زیرا در غربت آغازین، مردم بت‌هایی از سنگ و چوب را می‌پرستیدند و در غربت واپسین، مردم بت‌هایی از گوشت و خون را می‌پرستند!



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصورهاشمی خراسانی



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصورهاشمی خراسانی حفظه الله تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.